

امکان‌های نظریه تاریخی همایون کاتوزیان بازسازی نظریه کاتوزیان بر اساس نظریه برگر و لوکمان

محمد جواد غلامرضا کاشی

javadkashi@gmail.com

همایون کاتوزیان، از معدود شخصیت‌های علمی است که تصویر و الگویی برای فهم خود تاریخی ما عرضه کرده است. این تصویر هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی، یکی از الگوهای شایع فهم از حیات تاریخی ایرانیان است. این الگو، دورقیب در ایران دارد. اول الگویی که مارکسیست‌ها عرضه کردند و بنابر آن، ایرانیان در حال حرکت از نظام فئودالی به بورژوازی و از آنجا به سمت انقلاب سوسیالیستی‌اند. دوم الگویی که مدرنیست‌ها عرضه کرده‌اند و بنابر آن، ایرانیان دوره گذار از سنت به مدرن را از سر می‌گذرانند. این هر دو الگوی رقیب، مبتنی بر یک تصویر پیشینی از حرکت ضروری تاریخی است. آنها ایران را تابع یک ضرورت بیرونی ساخته‌اند.

کاتوزیان از جانب منتقدانش متهم به آن است که الگوهای استبداد شرقی، نظریه ویتفولگ یا منظر شرق شناسانه را به نحو پیشینی به کار بسته است و ایران را تابع این الگوهای بیرونی ساخته است. به فرض صدق این اتهامات، کاتوزیان با تولید یک منظرگاه دوری از تحولات ایرانی، امکانی بدیل برای خروج از منظرهای تک‌خطی تحولات تاریخی ایران است. این امکان بدیل، می‌تواند ما را